

مردم ارکان مرکزی ضرب توده ایران

بیاری دوستانی بشتابیم که در آستان نیستی ایستاده اند! دست دژخیم را باز داریم!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه - جشن همبستگی جهانی کارگران جهان

ایران جشن اول ماه مه روز همبستگی جهانی رنجبران روز رژه پرشکوه نیروی عظیم کارگری جهان را بجهه شما از زنت و مرد سالخورده و خردسال وبهمه افراد خانواده شما صمیمانه شاد بش می گوید .

طبقه کارگر ایران طبقه ای از جامعه ماست که دائماً در حال رشد کمی و کیفی است . علی رغم هر گونه سد و مانعی هم که استعمار و ارتجاع در سر راه ترقی صنعتی کشور ایجاد کنند این ترقی بنا بحکم تاریخ ولو کند و محمود بهر جهت و بشکل ناگزیر انجام می گیرد و ترقی صنعتی نیرومندی دائمی طبقه کارگر را با خود همراه دارد . زمانی خواهد رسید که طبقه کارگر ایران که امروز نیز مقام اجتماعی ومعنوی مهمی در تاریخ میهن ما دارد به کثیرالعمده ترین و مقتدرترین و بانفوذترین طبقه جامعه ایران مبدل گردد . هیئت حاکمه ایران و بررأس آن شاه برای آنکه این طبقه نیرومند و با نفوذ متزقی و انقلابی را در قید استعمار و سلطنت مستبدانه نگاه دارند از مذهبها پیش یک سیاست کارگری خاصی تنظیم کرده اند و بمرحله اجراء درآورده اند آنها می خواهند بیکمک این سیاست کارگری چهره واقعی حید کارگری رژیم را مخفی نگاه دارند کارگران ایران را بخيال خود شاه پرست بار آورند و پندار غلط همگنی طبقاتی و همگاری و همزیستی بهره دهان و بهره کشان را در مغز آنها رسوخ دهند ولی از بخت بد این دام گستران

کارگران و زحمتکشان ایران! خواهان و برادران عزیز ما! کمیته مرکزی حزب توده

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی وظیفه مبرم همه نیروهای ملی است

جنبشی که از چندی پیش در خارج از کشور برای آزادی زندانیان سیاسی آغاز شده بتدریج گسترش مییابد و استحکام می یابد . از آنجا که این جنبش نباید گذرا باشد بلکه برعکس باید هر روز دامنه وسیع تری بخود بگردد تا بتواند به هدف خود برسد مفید است که خصوصیات آن تجاربی که تاکنون بدست آمده مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد و سمت حرکت آتی آن را بررسی کنیم تا بتوانیم با روشنی و پیگیری بیشتری در تقویت این جنبش بکوشیم.

لزوم مبارزه

نیروهای ملی در دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد همواره به ترور پلیسی به سلب آزادی مردم به کشتار و شکنجه میهن پرستان به دادگاههای غیر قانونی نظامی اعتراض کرده اند ولی این اعتراضها غالباً پراکنده بدون شعار مبرم مشخص و بدون پیگیری لازم صورت گرفته است . در چنین وضعی دو برخورد و ارزیابی نادرست هم پیدا شده است . برخی باتکیه به ترور پلیسی و خشونت رژیم دستخوش یأس میشوند و مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک را در چنین وضعی بیفایده میدانند . بعضی دیگر با همین استدلال نتیجه میگیرند که فقط باید برای سرنگونی رژیم مبارزه کرد . بنظر ما این هر دو برخورد غلط است و باوجود تضاد ظاهری آنها هر دو از عدم اعتقاد بمبارزه توده ای ناشی میشود . مبارزه برای دفاع از حقوق و آزادیهای مردم در زمانیکه رژیم هنوز مسلط است بنا مبارزه برای سرنگونی رژیم نه فقط منافاتی ندارد بلکه

شعار مشخص

همه میدانند که مردم میهن ما از ابتدائی ترین آزادیهای مندرج در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر که بتصویب مجلس رسیده محرومند . استقرار دیکتاتوری شاه و طبقه حاکمه ایران امکان داده است که بدون ترس از مواخذه بزرگترین خیانتها را بمانافع ملی ما مرتکب شوند . هرگونه مخالفت با این دیکتاتوری و این خیانتها با زندان شکنجه و اعدام بقیه در صفحه ۷

به خسرو روزی

تاریخ که بر باد رود رنج و سرورش

هشت سال از شهادت خسرو روزی میگذرد.

تاریخ که بر باد رود رنج و سرورش نازد بسزاوار به گردان غیورش

یک گرد که در معبد تاریخ فنا گشت همایه همی دان به هزار و به کرووش جاوید شد آن گرد که جان بهر وطن باخت پرفخر شد آن خلق که خسرو شده پورش

لر زید دل شاه چو از چوئه اعدام بشنید غریو سخن پر شر و شورش

بیامه شد آن سفسطه اش پیش کلامش بیامه شد آن طنطنه اش نزد غرورش او باره همت ز سر ابر جهانید

دشمن یوخل مانده همه بار و ستورش او راه فنا رفت بچشمان گشاده زد خنده بخصم وطن و باطن کورش دیروز عدو پیکر او خست به پولاد



امروز جهان گل بنهد بر سر گورش
در شهر شهیدان بود او خسرو جاوید
تابنده بر اکتاف وطن منبع نورش

جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران

سیاسی مستحکمتر گردید و دوره ای امید بخش نوینی برای مبارزات آینده پیدا شد . برای آنکه خوانندگان گرامی بتوانند نظاره عمومی فعالیتهای انجام شده را در برابر خود داشته باشند در زیر خلاصه ای از این فعالیتها درج میگردد .

ایران

تشکیلات تهران حزب توده ایران طی اعلامیه ای رژیم پلیسی حاکم بر مردم میهن ما را افشاء کرده و بمحاکمات و محکومیتهای اخیر بویژه باحکام اعدام در باره رفقا خلوری و حکمت جو و آقایی موسوی بجنوردی اعتراض کرده است .

سازمانهای دانشجویان ایرانی

در خارج از کشور

دانشجویان ایرانی در خارج از کشور که در مورد گروه ۱۴ نفری فعالیت شایان تحسینی از خود نشان دادند این بار نیز در صف مقدم جنبش دفاع از گروه هشت نفری و ۵۵ نفری قرار گرفتند . کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی ضمن اعتراض به محکومیتهای اخیر از سازمانهای وابسته بخود خواست که جنبش اعتراضی جدید را سازمان دهند . بدنبال اعلامیه دستور کنفدراسیون فدراسیونهای کشوری در تمام کشورهای اروپا و در ایالات متحده اعلامیه های متعددی بزبان فارسی و بزبان کشور محل اقامت خود انتشار دادند . سازمانهای شهری نیز اعلامیه ها و کارت پستالهایی منتشر ساختند و میتینگها و جلسات همبستگی تشکیل دادند . نمایندگان دانشجویان در همانحال تلگرامهایی بسازمانهای بین المللی و شخصیتهای معروف جهانی مخابره کردند و با مراجعه به مطبوعات رادیو ها سازمانهای دانشجویی و اجتماعی و شخصیتهای بقیه در صفحه ۶

دوستان! دستها را بسوی هم بیازید! دستها را با یمان نوین بشیرید! بروید بسوی پویه بزرگ برای امید های بزرگ! بروید بسوی رزمهای دشوار ولی افتخار آمیز! بگذارید که در درون تاریخ معاصر آینده روشن نطه بندد . بگذارید تا از پیکار دردناک ما خنده های طربناک بدرخشد . مرغان خونین دلها را در آسمان نبرد رها کنید! بگذارید تا تندر سرودها بفرود... و این سپیده دمی است که آغاز میشود .

شیوه فعالیت پنهانکاری

در شرایط کنونی ایران، هنگامیکه سازمان امنیت، رکت دوم، کار آگاهی، ژاندارمری، گارد شاهنشاهی و دیگر نیروهای مخفی و علنی رژیم، با داشتن بودجه فراوان، با استفاده از تجارب خود در مبارزه علیه سازمانهای ملی و دموکراتیک، با یکبار بردن اسلوهایی که مستشاران و سرویسهای جاسوسی خارجی در سالهای اخیر با آنها تعلیم داده‌اند، با استعمال روشهای نوین در تعقیب، دستگیری، بازپرسی و شکنجه عمل میکنند، فعالیت تشکیلاتی، تبلیغاتی و سیاسی سازمانهای حزب توده ایران و سایر احزاب و گروههای ملی و مخالف دولت دشوار است و تنها در صورتیکه بدارک شرایط کسار سازمانی و انقلابی انجام گیرد میتواند نتیجه برسد.

بدیهی است که در چنین شرایطی سازمانهای ملی و دموکراتیک مجبورند درخفا کار کنند و باصطلاح فعالیت پنهانکارانه دست بزنند. آنها موظفاند که نه تنها تشکیلات خود را از دستبرد های دائمی و غدارانه پلیس حفظ کنند، بلکه شرایط مساعدی برای فعالیت مداوم آن تأمین نمایند و ارتباط خود را با مردم و با توده های وسیع برقرار سازند و کار علنی و مخفی را در آمیزند. برای این هدف، مسئولین و اعضای این سازمانها وظیفه دارند اصول و موازین فن پنهان کاری فن رازداری و فن مبارزه با پلیس را بیاموزند. آنها را در شرایط ویژه کشور ما انطباق و تکامل دهند. بدون فرا گرفتن همه جانبه این موازین و بکار بردن دقیق آنها نمیتوان هیچ سازمان مخفی را هر اندازه هم قوی با نفوذ و وسیع و فعال باشد از دستبرد های پی در پی پلیس و از اضمحلال نهائی محافظت نمود. مطالبی که ما در این گفتار مطرح میکنیم تازگی ندارد، مسئولین و فعالین حزبی ما و سایر سازمانهای ملی و دموکراتیک با آنها آشنائی دارند، ولی با اینهمه جمع بندی آنها و تذکار و تکرار آنها بدون تدریب مفید است. بسیاری از این تجارب مربوط به سازمانهای گذشته فعالیت پنهانکارانه حزب است. اکنون شرایط پنهانکاری به کار بردن موازین و اسالیب دیگری را ملاحظه ولی بهرجهت بررسی تجارب گذشته نیز آموزنده است و ما را در کار دشوار مبارزه با رژیم و پلیس آگاهتر میسازد زیرا اگر در گذشته پلیس توانسته است به نیرو های حزبی ما، و سایر نیروها ضربات سنگین وارد آورد، یکی از علل اساسی آن زیر پا گذاشتن موازین کار مخفی بوده است.

دشواری شرایط کار مخفی در ایران

کم بهادادن و پر بهادادن به پلیس

مبارزه مردم علیه رژیمهای ضد ملی و ضد دموکراتیک، علیه رژیمهای دست نشانده و خون آشام هیچگاه قطع نشده و نمیشود. در سختترین شرایط اختناق و باصطلاح بگیر و ببند سازمانهای ملی و دموکراتیک میتوانند خود را حفظ نمایند و مبارزه روزانه مردم را رهبری کنند و تودهها را برای نبرد نهائی متشکل و آماده سازند. اکنون بیش از ۱۰ سال است که رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران با تمام نیرو و امکان های خود سازمانهای مخالف رژیم را میکوبد و میخواهد تمام صدا های مخالف را خفه سازد، ولی حتی یک روز هم مبارزه مردم تعطیل نشده است و بالعکس روز بروز وسعت یافته و نیرو های تازه پنازهای قدم بمیدان بینکار نهادهاند.

هنگام جنگ دوم جهانی فاشیستها هم هیچگاه موفق نشدند، با زور و کشتار مبارزه مردم اروپا را خفه سازند. در سراسر اروپا سازمانهای مختلف مقاومت ملی که مخفیانه در شهر و ده فعالیت میکردند ضربات پی در پی و مؤثری به نیرو های اشغالگران هیتلری وارد مینمودند. سازمانهای مقاومت مردم فرانسه، فعالیت قهرمانانه آنها هیچگاه از خطرهای زوده نخواهد شد. در زمان اشغال خاک شوروی بدست فاشیستها در بلوروس و اوکراین و نقاط دیگر سازمانهای وسیع مخفی منظم فعالیت میکردند. آنها در شهرها و دهات، در کارخانهها و مزارع، در دستگاههای دولتی اشغالگران و حتی بین نظامیان دشمن و کشتابو (پلیس مخفی هیتلری) شبکه مخفی خود را گسترده بودند. قهرمانان افسانه ای گارد جوان تشکیلاتیکه جوانان گرسنگان را سازماندهی کرده بودند کمیته مخفی سراسر اوکراین و سایر

فن پنهانکاری و مبارزه با پلیس را فراگیریم

سازمانهای مخفی در تمام نقاطیکه موقتاً زیر اشغال فاشیستها بود، همه و همه در شرایط بسیار دشواری زندگی و فعالیت میکردند، ولی تمام این سازمانها قوانین کار مخفی، رازداری و فن مبارزه با پلیس و فن توأم کردن کار مخفی و علنی را بعنوان قوانین مقدس فرا گرفته بودند و اجراء میکردند. آنها تجارب بلشویکهای روس را بکار میبردند، همان تجارب و فنونی که لندن برای مبارزه در شرایط دشوار تزاری با آنها تعلیم داده بود.

برای ما در ایران، سازمانهای حزب ما و سایر سازمانهای ملی و دموکراتیک و ضد رژیم که در شرایط دشواری مبارزه میکنند، نیز امکان دارد که با استفاده از این تجارب، با بکار بردن آن، سازمانهای خود را غیر قابل نفوذ سازیم. آنها را تقویت نمائیم، مردم را متحد کنیم و مبارزه روزانه کارگران، دهقانان، روشنفکران و سایر قشر های انقلابی و ضد رژیم را رهبری نمائیم. باید دانست که کار انقلابی در شرایط مخفی و شیوه مبارزه با پلیس، سازماندهی در این شرایط یک فن بتمام معنی است که باید بدورستی آموخته شود. باید دانست که برای کار انقلابی در شرایط مخفی، رهبران و سازمان دهندگان شایسته این کار لازمند. تنها ایمان انقلابی کافی نیست. باید توانست و قدرت عصبی لازم را برای رازداری، برای روبرو شدن با مخاطرات، برای فریب دادن پلیس، برای استفاده از فرصتهای فرار و غیره داشت. بنابراین کافی زبرک، جسور، مبتکر و چاره گر بود. بهمین جهت بسیاری مهم است که امر اداره سازمان بدست اشخاص ناشی، ضعیف بی ابتکار و بی دست و پانباشد زیرا آنها نخواهند توانست بدورستی مورث سازمان دهند. اگر کار مبارزه در شرایط اختناق بمراس کاردان سپرده شود پیروزی در نبرد علیه پلیس دشوار نیست.

دستگاه پلیس علی رغم قدرت خود، در قبال مردم زبون است. او هیچگاه نتوانست و نمیتواند اعتماد و یاری مردم را جلب کند، و اگر ما درست و دقیق فعالیت کنیم نمیتواند تشخیص دهد چه کسی عضو سازمان مخفی است و چه کسی نیست. نمیتواند بفهمد فردی که باارامی از منزلی خارج میشود یا داخل خانه ای میگردد بکار انقلابی مشغول است، نمیتواند درک کند که در کیف زیر بغل عابر چیست و او بکجا میرود. سازمانهای پنهانی ضمن اینکه وظیفه دارند همیشه خطر پلیس را بحساب آورند و همیشه یورش ناگهانی او را در نقشه های خود بگنجانند، ولی هیچ وقت نباید این تصور را بکنند که پلیس قدرت مافوق دارد، همه چیز را میداند، از پشت دیوارها با خبر است و میتواند تمام حرکات میلیونها مردم را کنترل نماید.

رازداری و عدم کنجکاو

رازداری، عدم کنجکاو، و کمتر اطلاع داشتن، از قوانین اولیه کار مخفی است. باید هر ریفی از رازی باخبر باشد که بآن احتیاج دارد. هر ریفی وقتی از رازی با خبر شد، نباید آنرا بدوستان و رفقای خود بازگو کند، و بعنوان اینکه او زیاد میداند پرحرفی نماید و دیگران را نیز از یک سر سازمانی با خبر سازد. در یک شبکه مخفی هیچ لزومی ندارد که همه از همه چیز باخبر باشند. در اینجا هیچ نوع خوش باوری، اعتماد زیاد از حد و سهل انگاری قابل جبران نیست. یک مسئول باید بداند که از فلان راز چه کسانی باخبرند و در صورت خطر چگونه میتوان باخبر باشند، رفیق مسئول کنترل خود را از دست خواهد داد، و خطر از جانی که او هیچ انتظار آنرا نداشته شبکه او را مورد ضربت قرار خواهد داد. وقتی ریفی به رفیقش اعتماد زیاد میکند و او را در رازی سهیم میسازد، دیگر حفظ این راز فقط بعهده او نیست، بلکه بعهده رفیق او نیز هست که باین راز احتیاجی نداشت، و در صورت دستگیری اگر رفیقش مقاومت نکند، تمام مقاومت شخص او بیهوده خواهد بود.

کنجکاو، باندازه عدم رازداری خطرناک است رفقای هستند که بسیار حساس اند و اگر رفیقشان بسئوالات آنها جواب نداد ناراحت میشوند و میل دارند همه چیز را بدانند. باید این نوع دوستان را قانع کرد، و با آنها فهماند که عدم کنجکاو، نداشتن بیش از حد بنفع آنها و نهضت است. این دلیل عدم اعتماد نیست بلکه کمک باوست. یکی از اسلوهایی شناختن دشمن

در صفوف نهضت کنجکاو آنهاست، و رفقای که دائماً کنجکاو میکنند مانع آن میگردد تا عوامل پلیس شناخته شوند.

رازداری برای تمام رفقای حزبی ما که در خارج اند، برای تمام دوستان ما که در یک صف علیه رژیم مبارزه میکنیم نیز واجب و بسیار مهم است. این رفقا باید همیشه در نظر داشته باشند که تمام سازمانهای ما مخفی است و در همه جا باید شرایط اختفا دقیقاً رعایت کرد. اگر کسی مثلاً در خارج از کشور در امنیت نسبی است، حق ندارد با سهل انگاری خود دیگران را که در شرایط دشواری هستند بخاطر اندازد.

گاهی کسانی برای آنکه نشان دهند آدمهایی واردی هستند و از همه جا باخبرند، بزرگ منشاها بدون احساس ذرهای مسئولیت پرحرفی میکنند، آنچه را که میدانند یا تصادفاً دانسته اند با همه در میان میگذارند. گاه میشوند که میگویند، پلیس همه چیز را میداند، یا این مطلب که رازی نیست، یا فاش شدن آن ضرری ندارد، اینها همه نادرست است. گفتن، تذکر دادن، و تعلیم دادن یکی از راههای تربیتی برای رازداری و جلوگیری از کنجکاو است ولی این همه کار نیست، سازمانهای حزبی موظفاند مسئولیت را به رفقای بدهند که به رازداری و حفظ اسرار ولو کوچک یا بقلوبی بی ضرر اعتقاد دارند و مهمتر از همه خودشان رازدار و دقیق اند و کنجکاو هم نمیکند.

هیچوقت نباید بدون مطالعه کافی کادری را از مسئولیتی برداشت و به مسئولیت دیگر گمارد، چون با این عمل، اطلاعات این رفیق از سازمانهای حزبی دو برابر خواهد شد، در کار مخفی آنچه که باید زیاد تغییر نماید شکل کار است، نخورک سازمانهاست، و قابلیت مانور آنها، نه جابجا کردن بی مطالعه کادرها و مسئولین.

سازماندهی مخفی - فن پنهان کاری

سازمانهایی که زیر نظر دشمن کار میکنند، باید خیلی دقیق باشند و هر فعالیتی را کاملاً با دقت بررسی نمایند و انجام دهند. باید همیشه احتیاط کرد، ولی منظور از احتیاط این نیست که کار تعطیل شود، بلکه برعکس احتیاط برای آنست که در اثر دستبرد پلیس کار تعطیل نگردد. باید در کار بهیچوجه شتاب زدگی بخرج نداد، مثلاً اگر رفیقی سر قرار خود حاضر نشد نباید با عجله بمنزلش رفت و جویای حال او شد، چون اگر احتیاطاً این رفیق دستگیر شده باشد مسلماً پلیس در منزل او یا در اطراف خانه در کمین است. باید فوراً از نمایان این رفیق بپراکنش بالا خبر داد و منزل را از اسناد، انتشارات و کتب حزبی تصفیه نمود. تجارب گذشته حزب در دوران که سازمان وسیع مخفی وجود داشت در این زمینه نشان میدهد که اگر قرار

تمامی ریفی ملاً بعد از ۱۰ روز است و اتفاقاً کاری پیش آمده که میتواند بعد از ۱۰ روز هم انجام گیرد، نباید شتابزدگی کرد و تماس اضافی گرفت. باید در نظر داشت که تماسهای اضافی همیشه یکی از حلقه های خطر است. تملسهها باید کاملاً حالت عادی و بحداقل بسیار ضرور باشند، برای تماس گرفتن باید ساعات مناسب روز و شب را بر کار کرد که جلب توجه نکند. جلسات را انهم در صورتیکه حداکثر ضرورت را داشته باشد باید کاملاً در اختفا تشکیل داد و در جمع شدن و متفرق گشتن دقت نمود. در منزلی که اسناد حزبی، مطبوعات و کتب جمع شده اند نباید تشکیل جلسه داد. هنگام تشکیل جلسه باید این مراکز همیشه خالی از اسناد باشند و حمله ناگهانی پلیس پیش بینی شود، و بهانه های لازم دقیقاً در نظر گرفته شود. باید حتی الامکان باین نوع جلسات شکل عادی داد، مانند مهمانی، کلاس درس، محفل بازی، تعلیم رقص و غیره و غیره، در اینجا باید ابتکار داشت و اشکالی غیر از آنچه ما نام میبریم پیدا نمود و بکار بست. در مراکز کوچک و منزلی که در آن جلسات برگزار میشود باید علاماتی در نظر گرفت تا از خارج قابل دیدن باشد و فردی که میخواهد داخل شود بداند منزل در خطر است یا در امن.

هنگام ورود به مراکز کار باید مطمئن بود که تعقیبی در کار نیست، در اینچور موارد نباید سراسیمه بچلو و عقب نگاه کرد و توجه را جلب نمود، بلکه بسیار عالی و خونسرد میتوان بکار عادی دیگر پرداخت و در عین حال پشت سر و پیراه و مقابله را مورد بررسی

کودتاهای نظامی در آفریقا

در یکسال اخیر یک سلسله کودتاهای نظامی پشت سر هم در آفریقا بوقوع پیوست که بنا وجود تفاوت کم و بیش ماهوی آنها دارای یک خصوصیت مشترک هستند و آن اینست که همه بدست نظامیان انجام گردیده. در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۵ ژنرال (موبوتو) در کنگو لئوپولدویل (کازووبو) را از کار برکنار کرد و خود جانشین او شد. در ۳۱ دسامبر ۱۹۶۵ فرمانده کل قوای نظامی جمهوری آفریقای مرکزی بنام سرتیپ (بوکاسا) با یک کودتا حکومت را در دست گرفت در چهارم ژانویه ۱۹۶۶ سرگرد (لامیزانا) رئیس ستاد ارتش حکومت (ولتای بالا) را سرنگون کرد و خود صاحب قدرت شد. در ۱۵ ژانویه همین سال در نیجریه ژنرال «اگوی ایزنسی» باتوسل به نیروی ارتش حکومت را واژگون نمود و خود صاحب اختیار گردید. در گانا هنگام مسافرت قوام نکرومه بچین فرمانده ارتش حکومت را بدست گرفت و بطوریکه میدانیم بومدین هم در قلیستان ۱۳۴۴ (بن‌یلا) را با یک کودتای نظامی از رأس حکومت الجزیره بر داشت و خود جانی او را گرفت. در سال ۱۹۶۵ در سودان هم یک کودتای نظامی بعمر حکومت خاتمه داد. در کشور داهمی سرتیپ (سولگو) فرمانده ارتش رئیس حکومت موقتی (کونگاگورا) را از کار برکنار کرد. بطور کلی در مدت کمتر از یکسال هفت کودتای نظامی در قاره آفریقا بوقوع پیوست که بیشتر آنها در قسمت آفریقای سیاه انجام گرفته است.

قاره آفریقا پس از جنگ جهانی دوم یکی از پر هیجان ترین مراکز جنبش های ضد استعماری جهان گردید که با سرعتی بیسازمان و بیسازمان کودتاهای اخیر حکومت های از لحاظ سیاسی مستقل آفریقا را بوجود آورد. شکست فاشیسم، پیروزی اتحاد جماهیر شوروی، انقلاب موفق چین و ویدایش سیستم متحد جهانی سوسیالیسم به جنبش های استقلال طلبانه تمام جهان و از جمله آفریقا چنان نیروی بخشید که قادر شد سیستم مستعمراتی را از پایه و اساس در هم ریزد. استعمارگران کهنه کار که باسانی حاضر تسلیم ننودند بانواع وسائل متوسل شدند تا بقرارتگری خود ادامه دهند و بفسکر پیدا کردن راه های تازه برای خروج از بحران سیستم قدیمی خود افتادند بناب مثال انگلستان و فرانسه پس از مدتی مقاومت با درک ضعف نیروی خویش در قبال جنبش های نجات بخش ناچار دست بعقب نشینی زدند و با شناسایی استقلال سیاسی قسمتی از مستعمرات خود آنها را با قرارداد های خاصی در جرگه «کشور های مشترک المنافع» و «اتحاد بافرانسه» بنحوی وابسته بخود نگاه داشتند. بعضی از کشورها نیز بکلی از لحاظ سیاسی آزاد شدند در عین حال امپریالیست ها با توجه بمشکلاتی که کشورهای نو استقلال خواه ناخوابان مواجه میشوند همواره مترصد بودند که زمینه تجدید نفوذشان با استفاده از بحرانهای گوناگون داخلی این کشورها فراهم شود. بخصوص که با ورود استعمارگران امریکائی در صحنه سیاست آفریقا و فعالیت مغرب دستگاه سیاه، عامل جدیدی بضرر نهضت های نجات بخش ملی و کشور های تازه از بند رسته بخواست منفی دیگر افزود شده بود. در این مقاله فرصت آن نیست که تحولات کلی قاره آفریقا و وضع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی هر یک از کشورهای آفریقائی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد آنچه در اینجا مورد بحث است بطور کلی بررسی عواملی است که موجب شده تا نظامیان بتوانند با کودتاهای حکومت ها را واژگون کنند و اداره امور اجتماعی و سیاسی این کشورها را در دست بگیرند. قبل از هر چیز وضع ارتش های آفریقائی از چه قرار است: ارتش های ملی بعضی از کشورهای آفریقائی مانند الجزیره از دست های ارتش آزادی بخش در دوران جنگ های ضد استعماری بوجود آمده در حالیکه در عده دیگری از کشورها نو استقلال آفریقا گروه های ارتش سنگال از مردم کنتی های چاد، ولتای بالا توگو، کنیا سنگال بوجود آمد و جزء ارتش فرانسه بشمار رفت و در دو جنگ جهانی معروفیت یافت. پس از پایان جنگ افراد این ارتش یا بزادگاه خویش بازگشتند و یا هسته های اصلی ارتش کشور های نو

استقلال خود را تشکیل دادند. قریب بیست هزار تن از اینان در ارتش های نو بنیاد قاره آفریقا پذیرفته شدند. در مستعمرات انگلیس هم وضع بدینصورت بود. انگلیس ها از ارتش مستعمراتی خود که از آفریقائیان بیشتر از اهالی گائانا تشکیل شده بود در جنگ با ژاپن استفاده کردند سربازان کنیا و تانگانیکا باتفاق سربازان انگلیسی (آرتیره) و حبشه را آزاد کردند. سربازان مستعمراتی که بزادگاه خویش بازگشتند غالباً افکار استقلال طلبی را در محل خود تبلیغ کردند و بسیاری از آنها در جنگ های آزادی بخش علیه استعمارگران شرکت نمودند. هم اکنون عده ای از آنها در مبارزات مسلح (انگلا) (موزامبیک) گینه بورتقال شرکت دارند. اما باید گفت که استعمارگران در بین ارتش های مستعمراتی خود دسته مخصوصی را بعنوان کادر افسری که از مزایای بسیاری برخوردار بوده بوجود آوردند که از مبارزه ملت های خود برای آزادی و استقلال بکلی دور بودند. همین کادر افسری است که غالباً با امپریالیست ها سازش میکند و در عده ای از کشورها در مقام بالائی ارتش هست و یا بعنوان مشاور در درون ارتش های نو بنیاد در جهت تمایلات امپریالیستها قدم بر میدارد بسیاری از این ارتش ها بوسیله قرارداد هائی در ارتباط بسیار نزدیک با ارتش های کشورهای استعمارگر هستند. نیجریه، کنیا و کشورهای دیگر جزء (کشور های مشترک المنافع) کادر افسری خود را در مدارس نظامی انگلستان تربیت میکنند. در ساحل عاج و کامرون بسیاری از افسران فرانسه بعنوان مستشار در ارتش وجود دارند.

با ترقی که در بالا بدان اشاره شد ارتش های کشورهای نو بنیاد آفریقا بخصوص قسمت های مرکزی بوجود آمد. تشکیل ارتش در این کشورها تا زمانی که هنوز در آفریقا کلتی وجود دارد و تبعیض نژادی در قسمتی از آن حکمفرماست امری است ضروری و غیر قابل اجتناب برای کشورهای نو استقلال و در عین حال بار سنگینی بر بوجه ناتوان این کشورها است که در وضع بد اقتصادی هستند و ناچار باید محرومیت هائی را برای تامین بودجه این ارتش ها تحمل کنند. غالب کشورهای آفریقائی دارای ارتشی چه از لحاظ کمیت و چه از لحاظ کیفیت ضعیف هستند. مجله ماهانه «آفریقا رپورت» متعلق بموسسه تحقیقاتی «آفریقا آمریکا» آمار ذیل را در باره این ارتش ها منتشر کرده است: داهمی ۱۰۰۰ نفر، جمهوری چاد ۴۰۰ نفر، ساحل عاج ۴۰۰ نفر، تانزانیا و اوگاندا هر یک ۲۰۰۰ نفر، سرباز و افسر، کشور بزرگی مانند نیجریه با پنجاه میلیون جمعیت ۸۰۰۰ سرباز و افسر. تشکیل ارتش واحد آفریقائی که از طرف عده ای از سیاستمداران مترقی این قاره پیشنهاد شد تا حد زیادی مبتنی برضعف ارتش های آفریقائی باور مجزا بود که مورد قبول تمام کشورهای آزاد شده قرار نگرفت بخصوص حکومت هائی که اتکانشان فقط بارتش است و تنها در سایه سر نیزه حکومت میکنند باین فکر مخالفت کردند. روابط بین حکومت های آفریقائی سیاه و ارتش های خود در همه جا یکسان نیست: در کشورهای جزیره «کشور های مشترک المنافع» ارتش ها بطور کلی از زندگی سیاسی بدورند. افسران و سربازان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن ندارند و از حق عضو شدن در احزاب سیاسی و سازمانهای دموکراتیک محرومند برعکس در گینه، و مالی، ارتش جزئی جدا نشدن از زندگی سیاسی ملت است. احزابی که در این کشورها بر سر کار هستند ارتش را از هر جهت کنترل میکنند و در بین ارتش کار سیاسی مداومی انجام میدهند. ارتش در ساختمان و اجرای برنامه های اقتصادی کشور شرکت میکند در کشورهای که ارتش از زندگی سیاسی بدور است بیشتر حکومت ها در معرض خطر کودتای نظامی هستند و معمولاً افسران خارجی یا بعنوان مشاور و یا مستقیماً در کادر افسری این ارتش ها شرکت دارند. در این موارد است که ارتش بجای آنکه کمک دولتهای نو استقلال باشد وسیله اعمال نفوذ امپریالیست هاست. بهمین دلیل است که آفریقائی کردن کادر افسری در ارتش های آفریقائی لازمه ریشه کن کردن نفوذ امپریالیسم

و یک جریان طبیعی است که دیر یا زود باید در سرتا سر قاره آفریقا به ناک کردن ارتش های ملی از افسران و مشاوران خارجی منجر شود. باین حال فقط تغییر کادر افسری خارجی بداخلی برای تأمین شرکت ارتش ها در زندگی سیاسی و اجتماعی کافی نیست. جوان هائی که بخدمت سربازی میروند خود را صاحب تمام حقوق میدانند که همه اتباع کشور از آن بر خوراندند و وقتی بوسیله قوانین ارتشی از این حقوق محروم میشوند و افسران جوان از شرکت در امور سیاسی و اجتماعی ملت و کشور خود بی بهره میمانند؛ علاوه از حکومت و جامعه جدا میشوند و از این وضع ناخشنودند و هر وقت ناخشنودی از حکومت ها با بحران های سیاسی و مشکلات اقتصادی روبرو شود ارتش فرصت مییابد که ناخشنودی خود را با اجرای کودتا و در دست گرفتن حکومت جبران کند و در عین حال مورد پشتیبانی مردم ناراضی قرار گیرد. در مواردی اینگونه کودتاها در جهت ترقی و بهبود وضع عمومی متوجه است و در مواردی در جهت عکس. در سال ۱۹۶۳ در داهمی، کودتای نظامی خصلت مترقی داشت و در «گابون» مخالفت ارتش با حکومت مورد تأیید مردم قرار گرفت. در بسیاری از کشورهای آفریقائی ارتش با رشته های متعددی با طبقه حاکمه پیوند دارد و در مواردی که منافع این طبقه در مجموع خودبخاطر میافتد بیاری آن مشتاقند و او را نجات میدهند و مردم هم که از مبارزات دائمی سیاستمداران و رقابت های آنها که باعث بحرانهای اقتصادی و سیاسی متوالی میشود خسته شده اند ابتدا تصور میکنند که ارتش ناجی آنهاست. در کنگو وضع طور دیگری بود ارتش فعلی کنگو مرکب از چهل هزار سرباز و افسر است که از بزرگترین ارتش های منطقه مرکزی آفریقا بشمار میرود در ۱۹۶۰ چند روز پس از اعلام استقلال کنگو افسران جزء این ارتش سر دوشی های خود را عوض کردند واضح است که تعویض سردوشی خصلت ارتشی را که از طرف افسران بلژیکی تربیت شده بود نمیتوانست تغییر دهد این ارتش مانند دوران قبل از استقلال از داوطلبان تشکیل میشد. کادر افسری جدید در ارتباط نزدیک با بورژوازی اداری لئوپولدویل، اشراف قبایل کنگو و کارخانه داران کوچک میباشند این ارتش بطور جدی تحت نفوذ افسران امریکائی و بلژیکی است که بعنوان مستشار در خدمت ارتش کنگو هستند هنگامی که بین «چومبه» و «کازاووبو» اختلاف شدیدی پیدا شد و بین «جهبه دموکراتیک کنگو» و حزب «کناکو» رقابت سختی پدید آمد و در پارلمان منعکس شد و بطور کلی بحران سیاسی نیرومندی سر تا پای حکومت را فرا گرفت ارتش برای نجات طبقه حاکمه در مجموع خود میدان آمد و بر داشتن خندهاره از صفحه شطرنج سیاسی موقعیت این طبقه را تحکیم کرد.

در نیجریه چند روز قبل از کودتای نظامی وضع داخلی کشور دچار وخامت شدیدی شده بود. روزنامه (لوموند) این وضع را تحت عنوان «هرج و مرج تهدید آمیز در نیجریه» مجسم نمود در چنین حالی کودتای نظامی با موفقیت توانست قدرت را در دست گیرد بطور کلی نباید علل کودتاهای نظامی را فقط در رقابت های سیاسی و جاه طلبی افسران ارتش جستجو کرد. واقعیت امر خیلی پیچیده تر از این است. بسیاری از قشرهای حاکمه این کشورها بچنان تناقضاتی دچارند که گاه نمیدانند برای ادامه حکومت چه باید نمود و چگونه میتوان با ناخشنودی مردم مقابله کرد. در چنین موارد است که تنها سازمان هیئت حاکمه یعنی ارتش وارد میدان سیاست میشود. اما بهر حال نباید گفت که ارتش همیشه و بطور درستی برای نجات طبقه حاکمه و یا تأمین منافع امپریالیست ها دست بکودتا میزند. در بین افسران ارتش های نو بنیاد آفریقا افسران وطن پرست و دموکرات کم نیست ولی مطلب اینجاست که آیا این افسران مترقی ارتش را در مجموعه خود میتوانند بدنبال خویش بکشند یا نه و آیا توده های مردم افکار مترقی و مقاصد ضد ملی آنها را درک میکنند و از آنها پشتیبانی مینمایند یا نه و بطور کلی نباید گفت عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی غالب کشورهای آزاد شده آفریقا. ندانستن سازمانهای سیاسی محکم، ندانستن کادر های فنی برای ساختمان اقتصادی کشور عملیات مغرب سازمانهای جاسوسی امریکائی و انگلیسی و بست و بند های طبقات استعمارگر این کشورها با

بقیه از صفحه ۲
قرار داد.
برای فرار از تعقیب نیز باید ابتکار داشت و قبلا راهائی را پیش بینی نمود مانند مغازه های دودر، استفاده از وسائل تقلیه، محله های شلوغ و غیره و غیره. در تمام این موارد باید از آرتیست بازی و صحنه سازی و تظاهر بپرهیز کرد. کار انقلابی کاری است که باید در نهایت جدیت و در نهایت تمرکز و در نهایت خونسردی انجام گیرد.

بخصوص از نگاهداشتن دستورهای تشکیلاتی و اسامی باید جدا پرهیز کرد. باید اسناد، البته اگر حفظ سندی نهایت ضرورت داشته باشد، همیشه مخفی باشد رفیقی که روی اسناد کار میکند، بعد از کار بلافاصله باید همه را مخفی کند، زیادها را از بین ببرد، تا منزل همیشه برای پذیرائی آماده باشد.
هنگام حمل اسناد، روزنامه و تراکت و غیره باید احتیاط لازم را بکار برد، همیشه نزدیکترین و بی خطرترین راه را انتخاب کرد. هیچگاه نباید با اسناد و مدارک به گردش و کافه و سیما رفت. برای حمل روزنامه و تراکت باید ساعاتی از روز شب را انتخاب کرد که خیابانها شلوغ است. مثلا اول شب یا در حدود ظهر، هر واحدی باید در اینموارد مطالعه کند و راهائی بیابد. اساساً سازمانهایی که با حمل و بخش مطبوعات مخفی سروکار دارند باید از سازمانهای دیگر جدا باشند.
وقتی فردی در خارج از منزل دستگیر میشود باید فوراً منزل او و سایر مراکزی که او اطلاع داشته از تمام اسناد و مدارک تخلیه شود. در تخلیه منزل رفیق دستگیر شده باید دقت کافی بکار برد، از همسایگان اذاهالی خود منزل و غیره استفاده کرد و باعث دستگیری های جدید نشد.
اگر کار پنهان کاری خوب سازمان داده شود اگر تمام قوانین را از داری، فن مبارزه با پلیس، فن اختفا کاری رعایت گردد و در مبارزه روزانه بکار رود، سازمان امنیت و سایر ارکانهای علنی و مخفی پلیس هیچگاه نخواهند توانست مانع تشکل و مبارزه و پیروزی های نهضت ملی ایران بشوند.
تجارب نشان داده است که همه شکستها نتیجه عدم مراعات قواعد کار مخفی است. در کشور ما اکنون سنت نسبتاً طولانی مبارزه مخفی وجود دارد. دیگر وقت آنستکه سازمانهای مخفی و سازماندهان واقعی کار مخفی که شرایط را درک کنند بوجود آیند. بسا آنکه اشکال کار مخفی، دامنه آن، نوع ارتباط و غیره در نتیجه تغییر تاکتیک دشمن، تغییر وضع جرمود انقلاب و غیره و غیره تغییر می کند ولی نکات اساسی آن مانند را از داری، احتیاط عقلانی (زیرا احتیاط افراطی ترس است نه احتیاط)، داشتن ابتکار، هشیاری و گوش زنگنی، زرنگی و دست و پاداری، جسارت در عمل و غیره و غیره بدون تغییر میماند. تجارب گذشته حزب میتوانند هنوز در بسیاری موارد کار بسستی باشد. عمده آنست که افراد حزبی متوجه باشند که: پنهانکاری و فن مبارزه با پلیس فن است و باید آنرا آموخت.

برادر! وطن ما یکی، دشمن ما یکی است. سرود ما یکی، امید ما یکی است. خونهای ما خروشاوندند، گور عزیزان ما در کنار همدند. آیا اینهمه گره و پیوند برای الفت ما کافی نیست؟ پس بیاییم و در سنگر عقیده و جهاد در کنار هم بایستیم و صفوف خود را بانویگانگی متصل سازیم: بیگانگی رنج، بیگانگی آرزو.

استعمارگران که ریشه وسابقه طولانی دارد از یکطرف و بروز اختلاف و دو دستگی در بین نیرو های اصیل انقلابی این کشورها که در بسیاری از موارد محصول رویه نامعقول و نفاق افکنانه چینی هاست زمینه را برای حمله متقابل ارتجاع و استعمار بوسیله کودتاهای نظامی در آفریقای سیاه فراهم کرد و به جنبش نیرومند انقلابی این قاره سستی و تنوری وارد نمود که مدتی وقت لازم است تا بار دیگر کمر راست کند و راه ترقی و پیشرفت را که ضرورت تاریخی در پیش پای این قاره گذاشته است بییامید رضوانی

۱ - روزیونیسم چیست

روزیونیسم از واژه «روزیون» بمعنای تجدید نظر آمده است، لذا روزیونیسم از جهت معنای تحت اللفظی خود یعنی: تجدیدنظر طلبی. ولی معنای تحت اللفظی این واژه چیزی را نمیفهماند و باید تعریف علمی خاصی را که از این واژه، از این اصطلاح میشود، بدانیم.

روزیونیسم بمعنای علمی خود یعنی تجدید نظر کردن در برخی احکام و اصول مارکسیسم - لنینیسم بدون آنکه شرایطی عینی ضرور برای چنین تجدید نظری وجود داشته باشد.

ذکر عبارت «بدون آنکه شرایط عینی ضرور» وجود داشته باشد، لازم است زیرا اگر این شرایط وجود داشت و ما از ایجاد تغییر و تحول لازم در حکم معین مارکسیستی - لنینیستی سر باز بزنیم و حکم کهنه شده و یا منسوخ را تکرار کنیم، دچار خطای دیگری میشویم که دکماتیسم یا شیوه جزئی نام دارد.

لذا دکماتیسم یا شیوه جزئی، درست برخلاف روزیونیسم یا روش تجدیدنظر طلبی و بدعت، یعنی حفظ برخی احکام و اصول مارکسیستی در شرایطی که بطور عینی آن احکام دیگر کهنه شده و صحت و اثر بخشی خود را از دست داده اند. روش صحیح نه روزیونیسم و بدعتگری است و نه دکماتیسم و شیوه جزئی. روش صحیح عبارت است از برخورد نقادانه و خلاقانه به تئوری، یعنی ارزیابی و سنجش تئوری انقلابی در پرتو حوادث، واقعیات، دستاوردها، تجارب مثبت و منفی، درسهای مثبت و منفی و سپس غنی کردن تئوری

انقلابی با احکام نوین، عوض کردن احکام کهنه شده، بسط فرمولبندیها، آوردن مقولات تازه، کنار گذاشتن مقولاتی که دیگر کهنه شده است و غیره و غیره.

روزیونیسم در احکام و اصول مارکسیستی - لنینیستی هم از چپ و هم از راست سورت میگردد، از راست: یعنی در سمت منافع بورژوازی، در سمت انصراف از انقلاب اجتماعی، در سمت کرنش و تسلیم در مقابل سیر خود بخودی و احتراز از اجراء نقش انقلابی تکامل اجتماعی، در سمت اسپورتونیسم. از چپ: یعنی در سمت روحیات انقلابیگری کاذب خیره بوژوازی، در سمت «تازاندن» و تسریع ولونتاریستی و تحمیلی پروسه تکامل اجتماعی، در سمت ماجراجویی، در سمت مطلق کردن نقش عامل آگاه نهضت و ناچیز گرفتن شرایط عینی.

تاریخ بیش از یکفرنی سوسیالیسم علمی بروز دو نوع بدعتگری را از چپ و راست نشان میدهد. تاریخ مارکسیسم - لنینیسم در ایران نیز همین منظره را عرضه میدارد. اخیراً دفاع خلیل ملکی در دادگاه نظامی از طرفی و انتشار جزوه «مصوبات کنفرانس دوم» انشعابیون جدید حزب توده ایران از طرف دیگر نشان داد که دو انشعاب قدیم و جدید حزب برتریب در دو مشی انحرافی روزیونیسم راست و چپ گام برمیدارند. برای تنقیح روش حزب، روشن ساختن محتوی دو نوع روزیونیسم سودمند است، زیرا این عمل روشن میکند که ما با چه چیز موافقیم. باید خط فاصل بین مشی حزب طبقه کارگر و دو انحراف چپ و راست از این مشی

لقی فایده رزمنده باد با روزیونیسم چپ

را میآریند و معتقدند که سرمایه داری کلاسیک در کار تبدیل شدن سرمایه داری جدید (شوکاپیتالیسم) است که یک سرمایه داری خلقی، یک «جامعه رفاه عمومی» یک جامعه «صنعتی» است. در این جامعه استثمار و مبارزه طبقاتی در کار زوال یافتن، خاموش شدن است.

بر این اساس سوسیال رفورمیستها کمونیسم و کشورهای سوسیالیستی و نیروهای انقلابی را میکوبند و مبارزه آنها علیه کمونیسم برارب از مبارزه آنها علیه سرمایه داری حاد تر و وسیعتر است.

بر این اساس سوسیال رفورمیستها با امپریالیسم همکاری میکنند و در موارد متعددی نقشی کاملاً ارتجاعی و ضد خلقی و ضد بشری ایفاء میکنند و همدست امپریالیسم و استعمارند و در موضع علیه خلقها قرار میگیرند.

خلیل ملکی، چنانکه مدافعاتش در دادگاه نظامی نشان داده است کاملاً در موضع سوسیال رفورمیسم از بدترین انواع قرار گرفته است زیرا سوسیال رفورمیسم خود را در خدمت استبداد سلطنتی خاندان پهلوی قرار میدهد.

۳ - دعاوی روزیونیسم چپ
روزیونیسم چپ بصورت انواع نظریات

ترسیم گردد تا مبارزان حزب ما بدانند چه چیز را میپذیرند و چه چیز را رد میکنند.

۲ - دعاوی روزیونیسم راست

روزیونیسم راست که بشکل سوسیال رفورمیسم بروز میکند، حتی در مواردی که مارکسیسم را کلا و لفظاً قبول دارد، در مهمترین و حیاتی ترین احکام آن تجدید نظر میکند. دعاوی روزیونیسم راست چنین است:

برای تحول اجتماع و رفتن بسوی سوسیالیسم انقلاب اجتماعی، انتقال قدرت حاکمه بدست پروولتاریا، استقرار دیکتاتوری پروولتاریا ضرور نیست. میتوان با اجراء یک سلسله اقدامات رفورمیستی در چارچوب نظام موجود تدریجاً جامعه را بسوی سوسیالیسم راند.

حتی در صورت مجاز بودن مبارزات قانونی و علمی سوسیالیستی در جامعه سرمایه داری باید از حزب مخفی انصراف جست. تنها مبارزه علنی و قانونی مجاز است. تنها از طریق تحولات پارلمانی میتوان و باید به نتیجه رسید. باید کلیه شرایط لازم را برای شرکت در دولتها ایجاد کرد و از طریق قانونگزاری به هدف رسید.

بر این اساس سوسیال رفورمیستها (بویره جناح راست احزاب سوسیال دموکرات) سرمایه داری

گرفتن استراتژی رژیم کنونی که هدفش تسریع رشد سرمایه داری در کشور است، شکفت و غریب نخواهد بود.

لا یحه جدید
به نفع کیست؟
اگرچه میان گروه های مختلف در باره سیاست مالیاتی دولت

اختلاف نظر وجود داشت، ولی قبول گذشتگاهی به نفع بخش خصوصی مورد توافق تمام آنها بود. چنانکه آقای دکتر مقدم با وجود طرفداری از اصل «مالیات بیشتر» بخاطر افزایش سرمایه گذاری دولتی، معتقد بود که «اقدام مهمی که میتواند تأثیر زیادی در افزایش پس انداز در بخش خصوصی داشته باشد اینست که قانون مالیات بر درآمد بخوبی اصلاح شود که آن قسمت از سودخالص کارخانه ها و سایر مؤسسات تولیدی که بمصرف سرمایه گذاری برای توسعه و تکمیل ظرفیت و یا بهبود تولید میرسد از پرداخت مالیات معاف باشد». آقای خسرو شاهی نیز که نماینده اهل سودا و سرمایه است با وجود آنکه خواستار کاهش میزان مالیاتها بود، گذشتگیهای باز هم بیشتری به نفع سرمایه خصوصی طلب میکرد و میگفت: «... در بخشهایی که لازمه اش تشویق زیادتر است بخشودگی کامل در نظر بگیرند... برای سودهایی که دوباره بمصرف سرمایه گذاری میرسد معافیهایی قائل شوند تا بتوان سرمایه ها را به بخشهای لازم اقتصادی جلب نمود». لایحه جدید نیز عملاً طوری تنظیم شده است که در نتیجه آن مبالغ هنگفتی که طبق قانون جاری میبایست بصندوق دولت وارد شود در کیسه سرمایه داران باقی خواهد ماند. باین ترتیب

بسیاری از کشورهای مشابه کمتر است. بنا بر این اولین قدم اساسی در راه تجهیز پس انداز ملی اینست که دولت مالیات بیشتر وصول و بمصرف سرمایه گذاری برساند» (مجله بانک مرکزی شماره ۱۹). ولی آقای محمد خسرو شاهی، رئیس اطاق بازرگانی عقیده خود را که در واقع عقیده تمام صاحبان سرمایه بود چنین بیان میداشت: «... سنگینی مالیاتها نباید سبب عدم رغبت مردم به سرمایه گذاری شود. اگر مراد از دریافت مالیات تحصیل درآمد و سرمایه گذاری دولت باشد، چرا این امر بعهد خود مردم محول نشود و از آنها گرفته شده بصورت دیگری مصرف گردد» (مجله بانک مرکزی شماره ۳۵)

زمانیکه منصور، نخست وزیر وقت اعلام داشت که «قانون مالیات بر درآمد ما در آینده با توجه بسیاست اقتصادی دولت یعنی تشویق و ترغیب و حمایت سرمایه گذاری خصوصی و تشویق کسانی که سرمایه خود را بکار اندازند و از منافع آن مجدداً سرمایه گذاری کنند» تنظیم خواهد شد، معلوم بود که کدامیک از محافل اقتصادی توانسته است نظر خود را به کرسی بنشاند. سخنان آقای دکتر آموزگار وزیر دارائی هنگام تقدیم لایحه بخوبی نشان داد که تأمین درآمد برای دولت از وظایف فرعی قانون جدید میباشد. متن لایحه مالیات بر درآمد نیز بروشنی نشان میدهد که در «مبارزه» ای که برای تعیین هدفهای قانون مالیات بر درآمد در گرفته بود، هواداران آقای خسروشاهی یعنی نمایندگان سرمایه های بزرگ پیروز شدند. و این امر با در نظر

مسئله تجدیدنظر اختلاف نظر بنیان در قوانین مالیاتی کشور

چندین سال متوالی مورد بحث و بررسی مقامات دولتی و محافل اقتصادی کشور بود. بفرنجی و پیچیده بودن قوانین مالیاتی و یکدست نبودن اصول و مقررات آن، اشکالات عدیده در طرز تعیین میزان مالیاتها و نحوه وصول آنها، سوء استفاده مودیان و مأمورین دولتی و «سوء تفاهات» موجود میان آنها - مسائلی هستند که در باره آنها میان محافل ذینفع توافق اصولی وجود داشت. ولی آنچه که اساس اختلافات موجود میان گروههای مختلف هیئت حاکمه را تشکیل میداد، مسئله سیاست عمومی دولت در باره مالیاتهای مستقیم و در زمینه این سیاست میزان مالیاتها و نحوه نرخ بندیهای مربوطه بود. برخی طرفدار افزایش مالیاتها و از این طریق افزایش در آمد دولت بودند و برخی برعکس هوادار کاهش مالیاتها و گذشتگیهای مالیاتی بنفع صاحبان سرمایه. این اختلاف نظر بصورت آشکار و پرده در بروز نمیکرد و هر یک از طرفین سعی مینمود با اعمال نفوذ نظر خود را بکرسی بنشاند. ولی در عین حال نظریات «متضاد» بدون آنکه وارد بحث آشکار گردد، در مطبوعات منعکس میشد.

آقای دکتر غلامرضا مقدم، قائم مقام سابق رئیس کل بانک مرکزی با تکیه بقعیده متخصصین سازمان برنامه چنین اظهار نظر میکرد: «طبق مطالعاتی که توسط کارشناسان اقتصادی سازمان برنامه بعمل آمده نسبت مالیات وصول شده در ایران به درآمد ملی از

لا یحه مالیا گام دیگری است

که در لایحه جدید نه تنها نرخهای مالیاتی به نفع سرمایه داران کاهش یافته است، بلکه امتیازات زیادی نیز برای گروههای مختلف در نظر گرفته شده است.

طبق قانون جدید نرخهای مالیاتی، جز در دو مورد، تماماً کاهش یافته است. کاهش نرخهای مالیاتی میتواند چنین توهمی ایجاد نماید که گویا تمام اهالی یک اندازه از این کاهش نفع خواهند برد. ولی عملاً چنین نیست. برای اثبات این امر میزان مالیاتی را که گروههای مختلف طبق قانون جاری میرداند با میزان مالیاتی که طبق قانون جدید باید بپردازند در جدول زیر مقایسه میکنیم (ارقام بهزار ریال).

| میزان درآمد | میزان مالیات طبق: | |
|-------------|-------------------|------------|
| | قانون جاری | لایحه جدید |
| ۱۰۰ | ۶ | ۶٫۲ |
| ۳۰۰ | ۳۶ | ۳۹٫۲ |
| ۶۰۰ | ۸۷ | ۱۰۸٫۲ |
| ۱۰۰۰ | ۱۷۱ | ۲۱۶٫۲ |
| ۳۰۰۰ | ۶۷۰ | ۹۸۰٫۰ |
| ۶۰۰۰ | ۱۴۹۰ | ۲۴۰۰٫۰ |
| ۱۰۰۰۰ | ۲۶۷۰ | ۴۴۰۰٫۰ |

جدول فوق که ما آنرا بر اساس نرخ های قدیم و جدید تنظیم کرده ایم، بخوبی

لنینیسم!

و راست مبارزه کنیم!

سوسیال بلانکیستی بروز میکند. اگر سوسیال رفورمیسم با مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی راه تمز کردن پروسه انقلابی را مبهماید، سوسیال بلانکیسم با مطلق کردن عنصر آگاه و شرایط ذهنی راه «تازاندن» ارادی و ولوتاریستی پروسه انقلابی را طی میکند. مطلق کردن عنصر خود بخودی و شرایط عینی، ندیدن نقش عنصر آگاه (نقش پیشاهنگان هضت انقلابی، حزب طبقه کارگر، جبهه نیروهای ملی و دموکراتیک) منجر به اپورتونیسم و تسلیم طابن میگردد. مطلق کردن عنصر آگاه و شرایط ذهنی و ندیدن نقش عنصر خود بخودی (رشد قوای مولده، تناسب عینی قوا در جامعه، وضع طبقات، مساعد بودن شرایط عینی داخلی و خارجی برای انقلاب)، منجر به حادثه جوئی میگردد. یکی از آنها ناشی از تأثیر ایده بولوی بورژوائی است و دیگری حاکی از انقلابیگری خرده بورژوائی.

در تبلیغاتی که رهبران حزب کمونیست چین در سالهای اخیر بدان دست زدند آثار این بدعتگری چه بیان دیده میشود. شعار مرکزی آنها «تازاندن» انقلاب در جهان و در درون کشورها، از راه توسل باعمال قهر انقلابی بصورت پارتیزانی است، صرف نظر از اینکه شرایط برای این تحول بمعنای

علمی کلمه نضج یافته باشد یا نه. بدین ترتیب تجدید نظر بویژه در تاکتیک لنینی انقلاب اجتماعی روی میدهد، تاکتیک لنینی انقلاب را میتوان چنین خلاصه کرد:

۱ - ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر مبتنی بر وحدت اندیشه و عمل و انضباط یکسان در صدر و ذیل از عناصر پیشاهنگ طبقه کارگر و دیگر کسانی که ایدئولوژی او را میپذیرند بشما به ستاد انقلاب.

۲ - افشاگری وسیع برای بیدار ساختن توده ها و سوق آنها بطرف مبارزه و رزمه های انقلابی.

۳ - در آمیختن کار مخفی و عنی، مبارزه تئوریک، سیاسی، اقصادی برای بسط هر چه بیشتر پیوند ستاد انقلاب با توده های وسیع شهر و ده.

۴ - استفاده از شرایط عینی انقلابی (وضع انقلابی) که حتماً در خواهد رسید برای یورش به دژ دشمن طبقاتی و سرنگون ساختن قهری وی، در صورتیکه دست بمقاومت قهر آمیز بزد از طریق قیام مسلحانه و دیگر اشکال اقدام قهر آمیز.

وضع انقلابی را لنین چنین توضیح میدهد: هنگامی که هیئت حاکمه با بالائیها دچار بحران سیاسی شده اند و دیگر نمیتوانند بشیوه سابق

حکومت کنند و هنگامیکه مردم یا پائینیها دچار فقر و محرومیتند و دیگر نمیتوانند بشیوه سابق حکومت شوند و حاضرند برای تحول وضع دست به جان بازی زند. لنین تصریح میکند که نخواستن پائینیها کافی نیست، توانستن بالائیها هم ضرور است.

این تاکتیک انقلابی لنین تاکتیکی است خردمندانه، واقع بینانه، علمی و تنها تاکتیک صحیح. در مقابل این روش. اخیراً تاکتیک انقلابی بدعت آمیز دیگری آورده شده است و آن اینکه: اولاً - راه انقلاب تنها راه قهر آمیز است زیرا تاریخ شکل دیگر آنرا نشان نداده است. ثانیاً - این راه فقط بصورت جنگ مدید مسلحانه انقلابی (پارتیزانی) باید درآید و طی این جنگ باید واحد های راکنده پارتیزانی بارش انقلابی بدل شوند.

ثالثاً - برای توسل باین جنگ وجود وضع وخیم در جامعه کافی است و نباید منتظر تجمع همه شرایط موسوم به شرایط وضع انقلابی نشست.

رابعاً - حزب طبقه کارگر هم برای شروع کار چندان ضرور نیست و میتوان واحد های حزبی را در داخل هسته های مسلح ترتیب داد. میگویند تنها شکل سازمان، ارتش انقلابیست، تنها شکل مبارزه، جنگ انقلابی.

در اینکه این تاکتیک انقلاب با تاکتیک لنینی متفاوت است جای انکار نیست. مگر آنکه مدعیان بگویند که تاکتیک لنینی انقلاب دیگر کهنه شده است و نوبت نوبت این تاکتیک است. مدعیان تاکنون جسارت علمی آنرا نیافته اند که چنین ادعائی کنند و شاید هم بگویند تا این تاکتیک غیر لنینی

و غیر مارکسیستی را با احتجاجات سفسطه آمیز همان تاکتیک مارکسیستی - لنینیستی جلوه دهند ولی حتی این ادعا نیز انجام نگرفته است و ما چون انجام نگرفته است، آنرا مفروض نمیکیم. اگر ادعا شود که تاکتیک لنینی انقلاب کهنه شده و الگوی مشروح در فوق است که باید پذیرفته گردد، برای اینکار استدلال علمی لازم است. الگوی لنینی انقلاب بر پایه های خسارآین تئوری مارکسیستی «تناسب خود بخودی و آگاهانه» تکیه دارد و نمیتوان تصور کرد که چگونه میتوان آنرا علماً رد کرد. البته برای گفتن سخنان غیر علمی میدان باز است. گروهی که خود را «سازمان انقلابی حزب توده ایران» نامیده است بویژه با الگوی ماجراجویانه انقلاب گرفته است و بدینسان در جهت ریزویسیسم چپ قرار گرفته است.

۴ - نتیجه

مقاله های ما در شماره پیشین ماهنامه مردم نشان داده است که اختلاف ما با دو انشعاب اختلاف شخصی نیست، اصولی است. چون شخصی نیست، نباید هم در چارچوب خصوصیات و شخصیات وارد شود. این يك اختلاف اصولی بین لنینیسم و تجدید نظر طلبان چپ و راست در باره لنینیسم است. باید پرچم پرافتخار آموزش کبیر انقلابی را هم علیه اپورتونیستها هم آواتور بیستها بلند کرد. این عملی است لازم ولی از آن لازمتر آنست که در زیر این پرچم با صداقت و لیاقت در جهت انقلاب ایران عمل شود زیرا علم بدون عمل دارای قدرت تأثیر و اقتاع نیست.

طبق ماده ۱۱۴ لایحه، کشاورزانی که در نتیجه اجرای قانون اصلاحات ارضی مالک یا مستاجر زمین شده و یا میشوند از پرداخت مالیات معاف شده اند. این قسمت از قانون نیز بطور کلی چیزی عاید اکثریت دهقانان نمیسازد، زیرا قطعه زمین کوچکی که دهقانان در نتیجه اصلاحات ارضی بدست آورده اند، درآمدی کمتر از ۶۰ هزار ریال عاید آنها خواهد نمود. تنها دهقانان بسیار مرفه میتوانند تا حدودی از این قانون بهره مند گردند و این امر نیز بیشتر مورد نظر تنظیم کنندگان قانون بوده است. زیرا هیئت حاکمه همراه با تلاش خود در تسریع رشد سرمایه داری در روستا، در صدد ایجاد قشر مرفهی از خرده بورژوازی در روستای ایران نیز میباشد. معاف کردن این قشر مرفه از پرداخت مالیات وضع اقتصادی آنها را تحکیم بخشیده و جریان فشر بندی طبقاتی را در ده تسریع خواهد نمود.

باین ترتیب لایحه عملاً چیزی نصیب توده های وسیع زحمتکشان نخواهد کرد و قسمت عمده سزگینی بار مالیاتی کماکان بر دوش آنان خواهد بود.

قانون مالیاتهای مستقیم را باید در رابطه آن با قوانین مربوط بمالیاتهای غیر مستقیم یعنی در چارچوب سیستم مالیاتی کشور بررسی نمود، تا بتوان منظره روشن تری از سیاست مالیاتی دولت بدست آورد. مالیاتهای غیر مستقیم در حدود ۷۵ درصد تمام درآمدهای مالیاتی کشور را تشکیل میدهد. و بطوریکه میدانیم

لایحه جدید و زحمتکشان

چنین گشاده دستی تا ۴۰ درصد مالیاتهای ثروتمندان بزرگ را کاهش میدهد، قانونی که شاه یعنی ثروتمندترین غارتگر و پردرآمد ترین یغماگر کشور را مانند قوانین گذشته از مالیات پردرآمد و مالیات برارث معاف میسازد و به «میمنت» ولادت و ولایتعهد او را نیز از پرداخت هر گونه مالیات معذور میدارد، چه چیزی نصیب زحمتکشان میسازد؟

بزرگترین گذشت در باره گروههای کم درآمد، بالا بردن نصاب درآمد معاف از مالیات میباشد. طبق قانون جدید نصاب مشمول مالیات از ۴۸ هزار ریال به ۶۰ هزار ریال افزایش یافته است. مالیاتی که صاحب درآمد حد نصاب (۶۰ هزار ریال) اکنون میپردازد، ۱۴۴۰ ریال در سال و یا ۴ ریال در روز میباشد. این مبلغ فقط ۲۴ درصد درآمد چنین شخصی را تشکیل میدهد. و حال آنکه میزان تخفیف مالیاتی برای کسی که سالانه ۱۰ میلیون ریال درآمد دارد به اندازه ۱۷۳ درصد در آمد این شخص یا برابر ۱۷۳۰ هزار ریال است!

بعلاوه بالا بردن نصاب معافیت مالیاتی از ۴۸ هزار ریال به ۶۰ هزار ریال تغییر چندانی در وضع زندگی اکثریت قاطع زحمتکشان بوجود نمیاورد، زیرا این اکثریت بخصوص در روستا درآمدشان کمتر از ۴۸ هزار ریال در سال میباشد. این گروه اهالی اکنون نیز بابت در آمد ناچیز خود مالیات نمیپردازند.

پیش بینی شده است. برای شرکتی سهامی نیز انواع تسهیلات مالیاتی در نظر گرفته شده است. چنانکه طبق شرایط معینی ۲۰ درصد از درآمد مشمول مالیات بعضی از شرکتها از مالیات معاف خواهد بود و یا اینکه برای شرکتی سهامی مالیات جدا گانه تعیین نشده و مالیات بر حسب درآمد سهمی هر یک از سهامداران تعیین خواهد شد. از این طریق راه جدیدی برای ایجاد شرکتی سهامی قلابی بمنظور فرار از مالیات تصاعدی بر درآمد کل شرکتها بوجود خواهد آمد. بطور کلی در موارد بسیار معافیتهای زیادی برای مدت های مختلف (چه از تاریخ اجرای قانون و چه از تاریخ بهره برداری مؤسسات) برای سرمایه های بزرگ در نظر گرفته شده

است. هدف نهائی قانون جدید آنست که سرمایه های خصوصی بزرگ حتی الامکان از شرکت در هزینه های دولتی معاف شود و امکانات بیشتری برای رشد سرمایه داری در کشور بوجود آید. بیجهت نیست که اطلاعات در این باره مینویسد: «فشار مالیاتی در سالهای اخیر موجب شده بود که سرمایه های پراکنده نسبت به تمرکز و ایجاد شرکت های بزرگ و سرمایه گذاری در واحدهای بزرگ اقتصادی رغبتی نشان ندهند. بهمین جهت لازم بود که از طریق مالیاتی حمایت بیشتری برای سرمایه گذاری در واحدهای بزرگ اقتصادی بعمل آید. در حقیقت مالیات رهبری رشد اقتصادی را در آینده بدست خواهد گرفت» (۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۴).

تأثیر بر درآمد بزبان زحمتکشان

نشان میدهد که هر قدر میزان درآمد بیشتر باشد میزان مالیات نیز کاهش مییابد. مثلاً از میزان مالیات کسی که درآمد سالانه اش ۱۰۰ هزار ریال است فقط ۳۳ درصد کاسته شده و حال آنکه میزان مالیات کسیکه ۱۰ میلیون ریال درآمد دارد بیش از ۳۹ درصد کاهش یافته است. بنا بر این قانون جدید کاملاً به نفع صاحبان درآمد های کلان تدوین شده است.

علاوه بر این گذشت بزرگ نسبت به مجموع سرمایه داران، معافیت های زیادی نیز برای گروه های مختلف صاحبان سرمایه در نظر گرفته شده است. مثلاً طبق مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ قانون جدید، درآمد کارخانه هائیکه بتازگی تأسیس میشوند و نیز درآمد حاصل از توسعه یا تکمیل کارخانه های قدیمی «برای مدت ۱۰ سال از تاریخ بهره برداری مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود». ماده ۱۰۷ برای انواع فعالیتهای صنعتی بر اساس برنامه های اقتصادی کشور از ۵ تا ۱۰۰ درصد معافیت مالیاتی قائل شده است. برای فعالیتهای بزرگ کشاورزی طی مواد ۱۱۵ تا ۱۱۹ و نیز برای فعالیت ها در رشته خانه سازی و برای شرکتی کشتی رانی و غیره معافیت های مختلف

جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران

دموکرات، پشتیبانی بسیاری از آنها را برای اعتراض به نقض حقوق و آزادیهای دموکراتیک در ایران جلب کردند.

اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی در آلمان غربی بویژه واقعه مهمی بود. از روز ۲۲ تا ۲۹ آوریل به ابتکار کمیته دفاع و سازمان دانشجویان ایرانی در هامبورگ ۴۸ نفر از دانشجویان ایرانی از شهرهای هامبورگ، کیل، برانشوایگ، کلب، هانوفر، گوتینگن، کلاستال، مونیخ، کارلسروهه، برلین، غربی، هایدلبرگ و دوسلدورف در شهر هامبورگ دست به اعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذای هشت روزه مورد پشتیبانی پرشور همه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و محافل وسیع خارجی قرار گرفت. در روز ۲۶ آوریل مارش سکوتی با شرکت ۴۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی، آلمانی و دانشجویان خارجی مقیم هامبورگ برگزار شد که در برابر کنسولگری ایران به میتیگی تبدیل گردید.

پیش از ۵۰ نفر از دانشجویان ایرانی در نیویورک در روز ۲۹ آوریل، در حالیکه تصاویر حکمت جو و خاوری و موسوی را همراه باشاعرهای متعدد حمل میکردند، بظواهر پرداختند. اعلامیه سازمان دانشجویان ایرانی در نیویورک نیز بین نمایندگان مطبوعات جهان در سازمان ملل متحد پخش شد.

دانشجویان خارجی

دانشجویان خارجی با ارسال نامه ها، تلگرامها، قطعنامه ها از جانب سازمانهای ملی خود و یا بصورت شرکت مستقیم در میتینگها و تظاهرات دانشجویان ایرانی در خارج از کشور با میهن پرستان ایرانی ابراز همدردی کردند. از جمله:

کنگره سالیانه اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، نمایندگان دانشجویان ۵۳ کشور جهان در پرتغال (لئستان)، جمعیت دانشجویان پروتستان در هامبورگ، سازمان دانشجویان آلمانی در هامبورگ، سازمان جوانان آزاد آلمان در رستوک، سازمان جوانان آزاد آلمان در درسدن، اتحادیه های دانشجویان پاکستان، تانزانیا، کرد، سوریه و افریقای جنوبی در انگلستان، دانشجویان آلمانی و خارجی در دانشگاه درسدن، دانشجویان آلمانی و دانشجویان ۱۳ کشور خارجی در دانشگاه رستوک، سازمان جوانان چکوسلواکی، دانشجویان خارجی در لایپزیگ، سازمان های دانشجویی در ایتالیا، دانشجویان بلغارستان و نمایندگان دانشجویان ۷۰ کشور خارجی مقیم بلغارستان، فدراسیون دانشجویان ترکیه، فدراسیون دانشجویان دانشکده علوم سیاسی ترکیه.

سازمانهای بین المللی

سازمانهای بین المللی معتبری بمحاکمات و محکومیتهای اخیر اعتراض کردند. از جمله:

فدراسیون سندیکائی کارگران جهان، فدراسیون بین المللی دموکراتیک زنان، اتحادیه بین المللی دانشجویان. این اتحادیه ضمناً ۱۰ هزار کارت پستال کنفرانس بین المللی دانشجویان، فدراسیون جهانی جوانان دموکرات. این فدراسیون ضمناً ده هزار کارت پستال در دفاع از زندانیان سیاسی چاپ و پخش کرد. سازمان عفو بین المللی. اجلاس سالیانه بخش آلمانی سازمان عفو بین المللی در هامبورگ، که در جریان اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی تشکیل بود، جداگانه بدولت ایران اعتراض کرد و فربک کنفرانس مطبوعاتی با حضور دکتر واندر شایدر، وکیل مدافعی که در جریان محاکمه گروه ۱۴ نفری بایران رفته بود، رژیم ترور را در ایران افشا کرد. انجمن بین المللی حقوق دانان دموکرات. هیئت رئیسه این انجمن که در ۷ ماه مه در چکوسلواکی تشکیل جلسه داده بود بااتفاق آراء انجام اقدامات وسیعتری را برای دفاع از زندانیان

مقاومت ضد فاشیستی ایتالیا نیز بنوبه خود با انتشار اعلامیه ها و ارسال تلگرامها در این جنبش شرکت مؤثر داشته اند.

علاوه بر این گروهی از ایرانیان خارج از کشور مستقلاً بدولت ایران اعتراض کرده اند. از جمله ایرانیان مقیم کویت و قطر. گروهی از دموکرات های ایتالیائی نیز کارت پستالی چاپ و پخش کرده اند که با امضاء دموکراتهای ایتالیائی برای شاه ارسال شده است.

مطبوعات و رادیو تلویزیونهای خارجی

بر اثر فعالیت میهن پرستان ایرانی در خارج از کشور که از راه احزاب و سازمان های سیاسی، سازمانهای دانشجویی و کمیته های دفاع عمل میکنند، جنبش دفاع از زندانیان سیاسی ایران بطور اتم و مبارزه برای نجات سه نفر میهن پرست محکوم باعدم بطور اخص، بشکل وسیع در مطبوعات، رادیوها و تلویزیونهای خارجی منعکس گردید. صرفنظر از جرائد معالی در کشور های مختلف، روزنامه های معروفی مانند لوموند (فرانسه)، دی ولت (آلمان غربی)، نوس دوچلند (آلمان دموکراتیک)، اونیئا (ایتالیا)، اومانیتیه (فرانسه)، تان سان اوتست (فنلاند)، کانادین تریبون (کانادا) اخبار مربوط بظواهرات و اعتراضات ایرانیان و محافل خارجی را منعکس کردند و با میهن پرستان ایرانی ابراز همبستگی نمودند. رادیوها و تلویزیونهای خارجی از جمله در آلمان دموکراتیک، آلمان غربی، کشورهای اسکندیناوی و آمریکا جریان اعتصاب غذای دانشجویان و اخبار مربوط به جنبش اعتراضی را پخش کردند.

بقیه از صفحه ۵

لایحه مالیات بر درآمد

پرداخت کنندگان اصلی این قبیل مالیاتها اکثریت زحمتکش اهالی کشور میباشد. قسمت قابل ملاحظه یعنی یک سوم مالیاتهای مستقیم نیز بوسیله توده زحمتکش پرداخت میشود. در واقع میتوان گفت با وجود آنکه اکثریت مطلق اهالی سهم ناچیز از درآمد ملی نصیبشان میشود، قسمت عمده بار هزینه های دولتی را بر دوش دارند. لایحه جدید قانون مالیات بر درآمد نیز نه تنها کمکی به توده های زحمتکش نخواهد کرد، بلکه بار مالیاتی را سنگین تر خواهد نمود.

باین ترتیب هدف عمده لایحه جدید، تقویت بخش خصوصی سرمایه داری در قبال بخش دولتی آن، تحکیم موقعیت سرمایه های بزرگ و ایجاد تسهیلات بیشتر برای تمرکز سرمایه میباشد. لایحه جدید برخلاف ادعای هست حا کمه به تعدیل درآمدها کمک نکرده، بلکه فاصله طبقاتی را بیش از پیش عمیق تر خواهد ساخت.

لایحه قانون مالیات بر درآمد نشان داد که هیئت حا کمه ایران حتی نظریات گروه تکنوکراتهای امریکا دیده خود را که بسائقه واقع بینی بسیار محدودیکه از چارچوب منافع سرمایه داری خارج نمیشود، امتیازات نسبی و محدود برای بخش دولتی خواستار بودند، نادیده میگردد و در بست تسلیم منافع صاحبان سرمایه میشود. و این امر برای کسانی که هنوز هم دیده بمرامح شاه و منویات ملوکانه دوخته و چشم از واقعیات بدور ساخته اند میتواند تجربه ای ارزنده باشد.

ما در اینجا بیک بررسی کلی از لایحه جدید اکتفا میکنیم. بدیهیست که بررسی همه جانبه و تفصیلی این لایحه محتاج امکان و فرصت بیشتری است.

مسعود

توده ایها

بنازم قهرمان توده ای را کاندین ظلمت دل خونین او چون شب چراغی نور می باشد! سراپا ریش گردد بیکرش از خار و خس، لیکن درون بیشه پر بیم از رفتن نمی ماند، نمین ترسد، در این راه طلب یکدم نمی خسبد. سراپا عاشق خورشید آزادی است، بی پروا بسوی آن افق پویا، جهان دیگری جویداست.

سرودی نغمزی خواند، «فروغ زندگی فراداست»
چو کرم کور اندر گند ولای بندگی مانند،
خر و وامانده عمری عبث را هر سوئی راندن،
بزنجیر ستمکاران نامرسم خمش بون،
برای شادی و آزادی مردم نرزمیدن،
سزای رادمردان نیست، آنکس درخور هستی است
که میسوزد ز عشق خلق، می پوید بر راه او
چو سر بازی مجاهد گامزن اندر سپاه او.
همانا حکمت هستی انسان، بذل جان و دل
براه بخت و آزادی انسانهاست، از اینرو
بهین گردان عالم در ره رزم و طلب رفتند.

هم از اینرو بود گر خاوری خورشید خاور را
برغم خیل خفاشان طلب بنمود در ظلمت
بلنداوازه شد پرویز حکمت جو بدین حکمت

ز نوضحاك میخواهد بكام خویش قربانی
ز نو در معبد فرعون کین آموز، دژخیمان
نثار و فدیة را در زیر تیغ جور نشانند.
بزیر دشته جلاد ای یاران زندانی!
خروش جمله عالم را بگوش هوش بنویشد!
شما نیز ای هواداران راه و رسم انسانی
بصد این ستم با نغمه بیکار بخروشید!

اعتصاب گرسنگی

(مفلسیت اعتصاب گرسنگی دانشجویان ایرانی در اروپا برای نجات جان رفقا خاوری و حکمت جو)
جسمها بی قوه، زانو ناتوان، در کنج لب نیست حتی سایه ای پیدا ز رنگ خنده ای چشمها بی نور، لبها خشک، قلب ملتهب: زاتش خشم مقدس - کوره سوزنده ای.

گرسته شیران بی باکند و گفتار عنود تن بارزاند چو از ایشان یکی غران شود و سرودی گرم بر خوانند، آن سوزان سرود بال بکشاید چو مرغی بر جهان پیران شود.

یاد یارانی که در زندان دژخیمان بست بیگانه، بر آستان نیستی استاده اند این دلیران را چنان از خویش بیخود کرده است که برای یاری یاران بجان آماده اند.
با چنین همبستگی در رزم با اهریمنان داستانهای حماسی بار دیگر تازه شد در مصاف سخت باعدوان ضحاک زمان نام دانشجوی ایرانی بلند آوازه شد.

اندر آن ساعت که پر میگسرد بوم عدم لحظه غفلت نبود و ساعت راحت نبود در خور ما دشمنان سخت یاران ستم در قبال دشمن واحد بجز وحدت نبود.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و وظیفه مبرم

همه نیروهای ملی است

پاسخ داده میشود. بنابراین این مبارزه برای آزادی های دمکراتیک مبرم ترین وظیفه همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران است. ولی روشن است که حتی در ذرون هر شمار مبرمی هم میتوان بر حسب اوضاع و احوال مشخص شمار مبرمتری را یافت و برجسته کرد.

کمیته دفاع

روشن است که هر مبارزه ای را باید سازمان داد. تاکنون سازمانهای صنفی و احزاب سیاسی هر یک جداگانه به مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک بطور عام و آزادی زندانیان سیاسی بطور خاص میپرداختند. تجربه نشان داد که این مبارزات جداگانه ولو اینکه از طرف سازمانهای گوناگون انجام شود نمیتواند کاملاً مؤثر واقع شود. زیرا اولاً وحدت عمل بین این سازمانها وجود ندارد. ثانیاً نیرو هائی هستند که اصلاً متشکل نیستند ولی باین مبارزه علاقمندند. بهمین جهت فکر تشکیل کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی ایران که از مدتی پیش وجود داشت در جریان جنبش دفاع از گروه ۱۴ نفری برحاله عمل درآمد و با آغاز جنبش دفاع از گروه هشت نفری و ۵۵ نفری اینک بسط مییابد و استحکام میپذیرد.

خصوصیت این کمیته های دفاع اینست و باید این باشد که اولاً این کمیتهها در عین همکاری باتمام سازمانهای صنفی و سیاسی ضد رژیم بویژه با کنفدراسیون دانشجویان ایرانی از استقلال برخوردار باشند تا بتوانند هم خود را فقط مصروف امر دفاع از زندانیان سیاسی سازند. ثانیاً این کمیتهها از طریق دمکراتیک و از جانب تمام ایرانیان و بطور عمده دانشجویان ایرانی در خارج از کشور انتخاب گردند. ثالثاً نمایندگان تمام سازمانهای صنفی و سیاسی ضد رژیم در آن شرکت داشته باشند. رابعاً این کمیتهها پایدار باشند. فقط در این صورت است که میتوان متحرک و اتحاد و پیگیری را در این کمیتهها حفظ کرد و آنها را به سلاح مؤثری برای نیل به هدف مشخصی مبدل ساخت.

وظیفه ما

حزب ما که به لزوم مبارزه برای آزادیهای دمکراتیک، ضرورت اتحاد نیرو های ضد رژیم در این مبارزه، به صحت شعار مشخص دفاع از زندانیان سیاسی و تشکیل کمیته های دفاع اتحاد را سخ دارد و صادقانه و صمیمانه در راه تحقق آنها کوشیده است. از همه رفقای حزبی و از همه هواداران حزب میطلبد که با توجه به این اصول و با در نظر گرفتن شرایط مشخص محل مبارزه خود - بر کوشش خویش بازم بپردازند و با فعالیت و ابتکار خود در پیشاپیش صفوف مبارزان قرار گیرند. روشن است که این مبارزه با وجود نتایج موقعیت آمیز اولیه خود هنوز با دشواریهای زیادی روبرو است. باید پشتیبانی وسیع ترین توده های دانشجویی را بدست آورد. باید بر عوامل تفرقه غلبه کرد. باید مشکلات سازمانی و مادی متعددی را از پیش پا برداشت.

باید راههای جدیدی برای جلب افکار عمومی مردم جهان بوضع ایران پیدا کرد. ولی مبارزان حزب ما که در همین جنبش اخیر برای دفاع از گروه ۱۴ نفری، ۵۵ نفری و ۸ نفری نشارت داده اند که چگونه با صداقت و فداکاری در راه انجام وظائف انسانی و ملی خود کوشا هستند بدون تردید بر مشکلات غلبه خواهند کرد و بار دیگر برای همه نیروهای میهن پرست نمونه خواهند شد.

در همانحال حزب ما با توجه یفورت و حساسیت امر دفاع از زندانیان سیاسی بار دیگر آمادگی کامل خود را برای هرگونه همکاری با سایر نیرو های ملی و ضد رژیم اعلام میدارد. ما تردیدی نداریم که کلید پیروزی در اتحاد مبارزان است و مطمئنیم که این کلید سرانجام بدست خواهد آمد.

م. انوشه

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت اول ماه مه

را در چشم کارگران بیابانند و بسا عوامفریبی هائی در باره قانون میان تھی و پوشالی مهیم کردند کارگران در سود و امثال آن کارگران را به این سیستم بیدادگرانه اجتماعی دل بسته کنند ولی طبقه کارگر ایران که امواج عظیم اعتراضی را در امریکا و اروپای غربی می بیند، بخوبی درک می کند که سرمایه داری حتی در بالا ترین حد رشد خود نیز نمی تواند برآورنده خواسته های واقعی و اجتماعی و اقتصادی کارگران باشد و این تنها تحقق آرمان سوسیالیستی است که می تواند بدون انحراف اسارت کار در زنجیر سرمایه خاتمه دهد.

این نخستین دلیل آنکه کارگران ایران در دام تبلیغات دروغین رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک نمی افتند. دلیل دوم وضع مشخص زندگی آنهاست. وضع زندگی طبقه کارگر ایران نه چندان بدو تیره است که بتوان آنرا خونسردانه تحمل کرد. کارگران ایران از همه چیز محرومند، مسکن، استراحت، بهداشت، مزد کافی، بیمه، تأمین در قبال بیکاری، تأمین در قبال سوانح کسار و غیره. بسط مبارزات مطالباتی برای تأمین نیازمندیهای کارگران و جلوگیری از خطر بیکاری و مبارزه برای بسرکار رفتن بیکران خود بهترین وسیله تشکک و رشد آگاهی اجتماعی کارگران ایران است.

کارگران و زحمتکشان ایران! تجارب انکار ناپذیر و اقیامت عیان ثابت کرده است که رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک موجود بر حسب ماهیت خود دشمن کارگران است و از آنها میترسد و می خواهد بکمر سازمان امنیت کارگران ایران را مرعوب سازد و با عوام فریبی توخالی آنها را گمراه نماید.

تنهاراه نجات واقعی کارگر ایرانی برچیده شدن بساط رژیم موجود و استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک است. طبقه کارگر ایران که دارای سنت طولانی انقلابی و تجارب فراوان مبارزه است باین در پیروز ساختن این آرمان اساسی مردم ایران است. در راه استقرار نظامی که استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را تأمین کند و در جاده تأمین دموکراسی و ترقی و رفاه عمومی گام بردارد نقش برجسته خود را ایفا نماید. شرکت در مبارزه سیاسی حق و وظیفه کارگران ایرانست.

رژیم موجود مرتباً کارگران را از شرکت درسیاست ممنوع میسازد و خود عملی می کوشد تا آنجا که بتواند از آنها برای مقاصد سیاسی ضد ملی خویش استفاده کند. کارگران باید در سیاست و مبارزه شرکت ورزند ولی نه آن سیاستی که رژیم خواستار آنست. طبقه کارگر ایران باید برای اتحاد کلیه نیرو های ملی و دموکراتیک، برای اتحاد با برادران ستمکش دهقان که مهمترین متحد وی در مبارزه اجتماعی است، برای اتحاد عمل با کلیه سازمانها و عناصر مخالف رژیم مبارزه کند و عناصر تفرقه افکن و عوامفریب های چپ و راست میدان نهد.

مبارزه سندیکائی در شرایط کنونی امکان فعالیت علنی را ولو در چارچوب مطالبات صنفی برای کارگران فراهم می کند و طبق قانون تشکیل اتحادیه های صنفی مجاز است. باینست با استفاده مدبرانه از شرایط کوشید سندیکا های خود را هر جا که چنین سازمانی وجود ندارد احداث کرد. یکی از توصیه های دائمی حزب ما آنست که کارگران در سندیکا های موجود دولتی شرکت جویند و بکوشند تا این سندیکاها را بحریه جدی مبارزات صنفی مبدل نمایند. باینست کوشید تا در داخل این سندیکاها رسم انتخابات آزاد و واقعی عملی گردد و نمایندگان حقیقی کارگران بررأس سندیکاها و شوراهای کارگری جای گیرند و تمایلات و خواست واقعی کارگران را منعکس سازند. تجارب سالهای اخیر نشان داده است که بارها کارگران توانستند از طریق سندیکاها علنی خواست های حقه خود را بعبیان بکشند و در راه تحقق آنها مبارزه کنند. وظیفه آگاه ترین افراد کارگر است که اشکال صحیح کار سندیکائی را بیابند و از همه امکانات قانونی و علنی برای بسط مبارزات صنفی و مطالباتی استفاده کنند. باید در راه تجمع سندیکاها و ایجاد

هموطن عزیز! رفقای حزبی! یادرس زیرین در استکهلم (سوئد) بارادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مسکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176
Stockholm 4
Sweden

رادیو بیگ ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند. رادیو بیگ ایران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است. رادیو بیگ ایران را بشنوید و شنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید.

فدراسیونها و کنفدراسیون های کارگری مبارزه کرد تا زندگی سندیکائی بتدریج جا و اهمیت و قدرت در خورد خود را در جامعه ما بیابد. کارگران و زحمتکشان ایران! در راه حقوق حقه صنفی و کارگری خود مبارزه کنید، اصلاح و اجراء قوانین کار و سازمان بیمه های اجتماعی و تعمیر آن را با شرکت مستقیم نمایندگان منتخب کارگران در کارگاهها و کارخانه های سراسر کشور بخواهید در راه صنعتی شدن کشور و بسط تولید داخلی که داروی اساسی بیکاری مزمن و موجب بالا رفتن نقش کارگران در جامعه است مبارزه کنید. برای تعیین حداقل دستمزد با توجه بشاخص هزینه زندگی مبارزه کنید، برای شناختن کامل و عملی حق اعتصاب که تنها سلاح طبقه کارگر است طبق موازین بین المللی مبارزه کنید، با اخراجهای فردی و جمعی مبارزه نماید، برای پائین آوردن ساعات کار تا حدودیکه در قانون کار و قوانین بین المللی ذکر شده است مبارزه کنید. برای اجراء قانون مرخصی سالانه و تعطیلات با استفاده از حقوق مبارزه کنید. زندگی و مبارزه سندیکائی را بسط دهید. نقش شایسته خود را در حیات اجتماعی ایفاء نمایند. جنبش همبستگی را برای دفاع از حقوق هم صنفان و بیکاران بسط دهید.

جا دارد که کارگران ایران با الهام از سنن انقلابی خود، با توجه بسنولیت و رسالت تاریخی خود بسا توجه بیوضع رفت انگیز و گذران روزانه خود، علی رغم همه دشواریها و خطرات، جانانه مبارزه کنند و جسورانه است.

پیروزباد نبرد مقدس کارگران ایران زنده باد حزب توده ایران - حزب طبقه کارگر ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران

این اعلامیه در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۵ برابر با اول مه ۱۹۶۶ از رادیو بیگ ایران پخش شده است.

هموطن عزیز! چه کسی دوست نمیداشت که با خواندن یک ورد طلسم هستی می شکست، کجنگ نهان سینه میکشود. ولی کیتی است، کی پذیرد هواری، بی خشم و اشک، بی رنج و رشک، بی دندان قشرده بر چسگر، باید گوهر شیخراغ را از اعماق رنج کافت. باید با سری پر از خورشید، بازوانی بی امان بسوی نبرد رفت. نبرد! اینست سعادت

هموطن عزیز! رفقای حزبی! یادرس زیرین در استکهلم (سوئد) بارادیو بیگ ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی مسکاتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

رادیو بیگ ایران همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند. رادیو بیگ ایران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی است. رادیو بیگ ایران را بشنوید و شنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید.

روزنامه «اومانیته» در شماره ۲۷ مه ۱۹۶۶ خود اطلاع می‌دهد که آقای «ژول شومه» وکیل مدافع و رئیس انجمن حقوقدانان بلژیک که اخیراً از طرف اتحادیه بین المللی حقوقدانان دموکرات به تهران اعزام شده بود اجازه یافته است که بعنوان ناظر در دادگاه تجدید نظر رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو اعضاء حزب توده ایران شرکت نماید.

اندونزی ۶۵ - ۶۶

ای کرانه های بکر که جز از بوسه های دریای گرم خبر نداشتید با این امواج خون آلود چگونه آید؟
سیل پیکر های بی سر ،
تل سر های دژم !
همراه زوزه وحشی
همراه مویه دلشکاف ،
آه ای کرانه های بکر با این امواج خون آلود چگونه آید ؟

پرنس ها ، فاناتیک ها در پیشایش مشتابند
آنها شمشیر های تیزودشته های کند دارند
در زیر پالم های لرزان
و جنگل های همیشه سبز
اعضاء سازمانهای دهقانی را سرمیرند ؛
سرها را بدرختها می آویزند ، درپیش کلبهها کود می کنند ،
تنها را در شط می افکنند .
طعمه برای تمساحان فراوان
طعمه برای کوسه ماهی ها فراوان است .
و در این نیمه دوم قرن بیست
در جزایر زمرد رنگ خون عقیقی می جوشد .
و سایه هولناک امیر یالیم
روی چوچه کشتار کنندگان افتاده
سایه خربولهای وال استریت
که واژه « کمونیسیم » آنها را مرتعش میکند .

صدها هزار انسان :

صدها هزار پیر ، جوان ، سالمند ، کودک ، زن ، مرد
صدها هزار دانشجو ، کارگر ، روستائی ، مسلمان ، بودائی
صدها هزار انسان که فلسفه مارکس میاموختند و به آینده می اندیشیدند
و اکنون که گلهای استوائی مشکفد
و طوطی های سبز آواز میخوانند
آنها دیگر نیستند .

اگر دشته جلادان امروز آنها را نمی کشت

روزی مرگ آنها را شکار میکرد

ولی آخر این لکه بزرگ خون را بردامن تاریخ که خواهد شست ؟

آنچه که باید در تاریخ روی دهد روی خواهد داد .

ای ساطور بدستها بیهوده این شاخهها را در هم میشکنید .

آن درخت تناور که باید بروید خواهد روئید

و با این مشکهای خون ، آتش فشان خاموش نخواهد شد .

زمان مکار شما را در لجن زار های خود دفن خواهد کرد

و سپس مشعل معجزه خود را خواهد افروخت

شدنیها خواهد شد

آینده نردنی است .

درد اشکالود بشما تن های بیسر !

و ای تل سر های دژم !

درد اشکالود بر خاندانهائی که درو شدند

ستایش بر شما ای سپاه انبوه دوستان حقیقت !

شهادت شما شهادتی شگرف بود

شهادتی جمعی از سوی یک ملت

شهادتی عظیم ، شهادتی مقدس .

بنام ۱۳۸ میلیون کارگران جهان

(تلگراف فدراسیون جهانی سندیکاها به هویدا در باره محکومین باعدام)

آقای رئیس دولت ایران !
از جانب سی و دومین اجلاس کمیته اجرائیه فدراسیون جهانی سندیکاها که از ۲۶ تا ۲۸ مه در شهر نیکوزیا (قبرس) تشکیل بود نگرانی عمیق جنبش جهانی سندیکائی را بعلت موج تضحیلات در ایران و بویژه محکومیت به اعدام علی خاوری و پرویز حکمت جو ابراز میداریم .
بنام ۱۳۸ میلیون کارگرانی که در صفوف فدراسیون متحد شده اند نجات فوری جان این دو مبین پرست ایرانی و آزادی آنها و غفو محکومین و زندانیان سیاسی و الغاء محکومیت رهبران کارگری ایران و تضمین بازگشت آزادانه ایرانیانی را که بمهاجرت سیاسی مجبور شده اند بکشور خود میطلبیم .

ر. بیتوسی

ل. سایان

رئیس فدراسیون جهانی سندیکاها

دبیر فدراسیون جهانی سندیکاها

یادی از چند سالگرد

اردیبهشت خونین سالگرد شهادت هشت

رزمنده توده ای

دومین ماه بهار که دوران شادابی و نشاط طبیعت است از طرف اعضاء حزب ما ، « اردیبهشت خونین » نام گرفته است زیرا در سالهای پس از کودتا عده ای از رزمندگان حزب ما ، در اردیبهشت ماه بدست جلادان شاه شربت شهادت نوشیدند .
نخست باید از دو نفر مبارز جوان و پرشور ، آرسن آوانسیان و هوشنگ پور رضوانی نام برد که پس از چند سال تحمل مصائب زندان شاه ، روز ۲ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ در میدان تیر حشمته تیرباران شدند . هر دو بیکارجو ، هر دو مقاوم و هر دو به تودهای بودن خود افتخر داشتند . روز ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۳۷ خسرو روزبه قهرمان ملی ایران بدست دژخیمان شاه تیر باران شد که در همین شماره یاد او را گرامی داشته ایم .

سال ۱۳۳۹ یورش مأموران شاه به شبکه های حزبی ما در آذربایجان و کردستان آغاز شد و چند صد نفر در این یورش وحشیانه دستگیر شدند محاکمه ۲۰ نفر از فعالین آنها در دادگاه نظامی آغاز شد و حکم اعدام پنج تن از آنان صادر گردید . روز ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۳۹ پنج مبارز آذربایجانی : رفقا علی عظیم زاده ، خسرو جهانیان آذری ، جواد فروغی ، حسن زهتاب و ایوب کلاتیری در تبریز بخون خود غلطیدند .
خاطره این شهیدان الهام بخش همه مبین دوستان در مبارزه علیه رژیم ددمنش شاه است .

سالگرد مرگ «افراشته» شاعر توده ای

روز ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۳۸ ، محمد علی افراشته ، مدیر روزنامه چلنگر ، شاعر پیکار جوی توده ای ، در سن ۵۱ سالگی در بیمارستان صلیب سرخ صوفیه بر اثر سکنه قلبی درگذشت .
«افراشته» که با انتشار روزنامه چلنگر خدمت بزرگی به نهضت ضد استعماری مردم نموده بود ، طبعاً مورد خشم رژیم شاه قرار گرفت و در نتیجه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مجبور بمهاجرت

شد و در جمهوری توده ای بلغارستان اقامت نمود .
«افراشته» در مهاجرت هم از مبارزه قلمی علیه رژیم باز نایستاد و بمنظور شناسائی ایران ، وصف زندگی زحمتکشان ، مبارزه جاننازانه کارگران و دهقانان ، آثاری به زبان بلغاری منتشر ساخت .
هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت درگذشت افراشته ضمن اطلاعیه خود چنین نوشت : «افراشته از نخستین سالهای تأسیس حزب توده ایران ، همه نیروی هنری و ادبی خویش را در خدمت خلق گذاشت افراشته که خود از طبقات زحمتکش ایران برخاسته بود با موفقیت شایان آفرین توانست زندگی و مبارزات توده های مردم را در اشعار خود منعکس سازد . ساخته های افراشته ، نمونه برجسته ای از درآمیختن ادبیات با سیاست است . نام افراشته در تاریخ ادبیات انقلابی معاصر ایران پیوسته جای نمایانی خواهد داشت .»

شهادت یک معلم

روز ۱۲ اردیبهشت سال ۱۳۴۰ نمایش عظیم فرهنگیان تهران در میدان بهارستان انجام شد . گروههای مختلفی از دانشجویان و دانش آموزان بصوف فرهنگیان پیوستند و علیه دولت شریف امامی که دچار بحران بود تظاهرات کردند . یورش مسلحانه مأموران شاه ، تظاهرات مسالمت آمیز فرهنگیان را بخون کشید ، عده ای زخمی شدند و دکتر خانعلی دبیر دبیرستانهای تهران به قتل رسید . از آن تاریخ ، این روز از طرف نیرو های ملی «روز معلم» نام گرفته است . تظاهرات روز ۱۲ اردیبهشت موجب سقوط دولت شریف امامی و روی کار آمدن دولت دکتر امینی شد .

قابل توجه خوانندگان عزیز

در شماره ۱۳ ماهنامه مردم شماره صندوق پستی ما ، اشتباهاً ۴۱۷۸ ذکر شده ، به ۴۱۷۶ تصحیح فرمائید .